



نقاش جناب غلام جیلانی خان
جلالی عضو انجمن ادبی

یادی از شوکت غزنی

بل از آنکه مابه نگاشتن تاریخ (مدنی) غزنین که بعد از انجام تاریخ هرات در نظر است « مستقیماً شروع کنیم در بنمورد از فرصت استفاده نموده

مختصر آید کر بزرگترین جامع، دارالعلوم و دارالکتب قدیم آن می پردازیم: کر چه فاضل محترم شهزاده احمد علیخان درانی مدبر انجمن در مقاله منتشره خود «یادی از فضلی غزنی» باستناد قول امین رازی این شهر را علاوه بر داشتن رباطها و خانقاهای بی شمار و دیگر ساختمانهای باشکوه که جهت غربا و مسافرین تعمیر شده بود در عهد غزنویها دارای دو ازده هزار مدارس و مساجد نشان داده است اما بنده عجاله نظر بهمان معذرتیکه فوقاً عرض کردم درین مقاله فقط همین قدر میتوانم که از جامع و دارالعلوم و یک کتابخانه بزرگ سلطانی آن اجمالاً ذکر کنم:

مؤرخین ما بعد از سقوط اولی غزنین (که بدست علاو الدین حسین غوری در اواسط قرن (۱۲) مسیحی اتفاق افتاد نظر بفقدان آثار که آنها با ساختمان

قشنگ و زیبای این شهر تاریخی و طن طعمه حریق شد) از ساختمانهای آن شرح مستوفای نمیدهند بلکه بعضیها کیفیت ساختمانهای فنی آنرا مسکوت عنه گذاشته و برخی بیک ذکر مختصری اکتفا نموده به تخریب و قایع می بردازند. از انجمله ابن اثیر که نقه زرین مورخ ما بعد از سقوط غزنین است در جلد (۹) تاریخ « الکامل » خود راجع باین زمینه تنها همین قدر می نویسد :

زمانیکه سلطان « بین الدوله و الملة محمود » از فتح قنوج و کشمیر فراغت یافته باغناجیم بسیاری از قسم طلا، نقره، جواهر، فیلهها و سامان دیگر « مورخ مذکور مقدار هر کدام ازین غناجیم را هم معلومات داده » بغزنین بازگشت، در سال ۴۰۷ هجری جامع بزرگ غزنین را بنا کرد (۱) که نظیرش شنیده نشده بود. لهذا اگرچه ابن جمله ابن اثیر « که نظیر این شنیده نشده بود » در حد ذات خود جامع است اما باز هم از اجمال مذکور هویت تفصیلی آنرا نمیدانم از آنرا مؤرخین غربی که تا حال بمطالعه نگارنده این سطور رسیده و درین موضوع ذکری نموده تنها آثار تاریخی سارجن ملکوم و موسویار تولد و اناسی کلمو پیدبای جدید فرانسه است که اول الذکر نیز در تفصیل این موضوع تقریباً با مورخ « الکامل » همسنگ است زیرا او هم این قدر میگوید:

(محمود) درین تعرض خود باستثنای فتح قنوج چندین قلاع و شهرهای دیگر را هم فتح نمود و چون بغزنین عودت نمود غنائمیکه مخصوص بیت المال و حصه سلطان محسوب شد تنها ۲۰ ملیون در هم وجه نقد و ۵۳ هزار برده و سه صد و پنجاه فیل و مقدار کثیری از جواهر بود که تعیین قیمت آن مشکل است ولی مقدار غناجیم لشکریان از حصه سلطان بیشتر بشمار میرفت - سلطان ابن

(۱) تاریخ (الکامل) لابن اثیر ص ۱۱۰ جلد ۹ .

اندوخته‌ها را صرف تعمیر و تزئین غزنین نموده دیگر امرا و اعیان مملکت هم درین زمینه از معزی الیه پیروی کردند چنانکه در اندک فرصت شهر مذکور از حیث وسعت و تجمل ساختمانی خاصه و عامه با بهترین شهرهای شرق مساوی گردید.

ولی در جمله ساختمانیهای دیگر مسجدیکه سلطان محمود تعمیر نمود در بین تمام عمارتهای این شهر امتیاز داشت این مسجد را طوری تیار کردند که از حیث وضع و ساختمانیهای رخام و فرشهای ملون و قندیلهای طلاکار و دیگر مناسبات و لوازم تزئینی آنرا (عروس الملك) خواندند (۱)

موسیو بار تولیو متذکر است: نظر بمعلومات هولدیچ (همسایه هند طبع سنه ۱۹۰۱ عیسوی ص ۱۴۲ - ۱۴۳) از غزنی قدیم که در قرن دهم کرسی سلطنت وسیعی بود و یکی از مراکز علم و هنر بشمار می رفت خرابه‌های در (۲۵ کیلومتری غزنی موجوده) تا حال باقی مانده است - شهر غزنی را در قرن ۱۲ - ۱۴ چندین مراتب خراب کردند بقرار گفته (سالابین) غزنی در اواسط قرن ۱۲ در مرحله اولین قتل عام تخریب شد و محلا و الدین حسین باستانشناسی مقبره سلطان محمود و دو میدان (که یکی از آن بعد فرکیوسون ترمیم کرد) جمیع آثار تاریخی آنرا منهدم نمود - محمود مسجد خیلی قشنگ از سنگ مرمر و گرانیت آباد کرد که در شاهنامه از آن تعریف شده است. اگر در غزنی حفاریات شود از طرز ساختمانیهای عمرانات، آثار جوان معماری اسلام در افغانستان بصورت خیلی عجیبی واضح خواهد شد. بدایرة المعارف جدید فرانسه نیز این قدر نگاشته آمده: شهر غزنین بد و ره غزنوی ها يك دارالعلوم و ابنیه مهمی را شامل بود که آثارش در اطراف شهر هنوز دیده میشود (۲)

(۱) تاریخ سارجن ملکم ص ۱۰۶ - ۱۱۷ ج اول (۲) دایرة المعارف جدید فرانسه

هکذا در تاریخچه مختصر آسیا نیز بسبب اختصار راجع باین زمینه اشاره رفته که تفصیل ندارد (۱) در زمره مورخین اشخاصیکه آثارشان دیده شده تنها نویسندہ بمبئی و مورخ تذکره بهادران اسلام است که درینموضوع نایک اندازه معلومات میدهند. از انجمله بمبئی که از مورخین همروز سلطان و فقط توانسته است بسبب قدیم عربی تافتح قنوج واقعات آندوره را قید کند راجع بجامع، مدرسه و کتابخانه غزنین هم مختصراً ذکر میکند، گرچه مورخ مذکور هم بعوض اینکه مانند یک مورخ عصری تمام کیفیت تفصیلی این ساختمانها را به تعمق رسم کند قوه قلمی خود را در اقسام تشبیهات و استعارات شاعرانه بخرج داده است با وجود آن چون دیگر آثار عهد مذکور در دست نیست از نگارش مذکور هم بدرستی میتوان مجملاً حقایق عظمت این ابنیه بزرگ افغانستان را معلوم کرد که خلاصه آن را ذیل مطالعه مینمائیم:

جامع غزنی: زمانیکه موکب همایون «سلطان» از غزوه هند بیابتخت غزنین نزول اجلال فرمود، عادت مالوف بازرگانان بسیار از ماوراءالنهر و عراق و شرق اقصی و دیگر بلاد مجاوره وارد غزنین گردیده غنایم قابین فروش را از ماورین سلطانی بمبالغه گفت خربنداری کردند و با خود بردند درین آئنا سلطان در صد در آمد که از قیمت غنایم و مبالغ نقدی آن که اندوخته چندین صد ساله بتخانه های هندو است در خطه شریفه غزنین جامع بزرگی تعمیر کند، باین تناسب مهند سین و معماران ماهر قصرهای (الرصافه) (۲) بغداد را بغزنین احضار و ساختمان جامع را بآنها موکول داشت استادان مذکور بامر سلطان در موضع

(۱) تاریخچه مختصر آسیا ص ۴۴۵ - ۴۴۷ (۲) الرصافه قسمت شرق دارالخلافه بغداد را میگفتند که در آن حصه اکثر قصرهای خلفا از قبیل «الخضراء» «الفردوس» «قصرالتاج» و غیره تعمیر شده بود.

جامعیکه قبلاً بقدر گنجایش اهالی محلی بصورت مختصر، مسجدی آباد بود و شایان وضعیت مرکزی را نداشت يك جامع بزرگ و عظیمی را نقشه کرده اولاً سامان و مصالح تعمیر، از قبیل احجار شفاف سنگ فرشها و ستونها و شاتیرهای سنگ مرمر و گرانیت این جامع را که هر کدام در حد خود منتها قشنگ و متین و ضخیم بود بوسیله فیلمها از اطراف سند و هند بغزین وارد کردند، بعد از آن بساختمان این بنای بهشتی مثال آغاز نموده صحن آنرا بر خامیکه از ولایات دور دست و معادن سنگی جبال نقل داده بودند بصنعت فنی دارای مریعات سنگی چنان فرش نموده که بعد از سیقل و صفا کاری مانند آئینه شفاف بنظر میدرخشید. بالای سطح مذکور بمنتهای نظر بیننده چنان رواقهای بلند بالای را طرح کردند که هر کدام مانند قوس قزح یا دایره که بر نقطه مرکزی دور میکنند قطع شده بود. درین مسجد اقسام رنگ آمیزی و نقاشی بصورت فن صنعت شده و تمام زر و زیوریکه از غنایم هند بدست آمده بود بدرود بوار مصرف شد علاوه نه تنها بدروازه ها و پیزاره محراب رویه زر داده شده بود بلکه در پیوند های رخام و چو کات های سنگی و دیگر زینتات متفرقه ناصحی از صنعت تذهیب کار گرفتند که استادان رصافه اخیراً از مینا تور و ریزه کاری جامع مذکور بستوه آمدند، در صحن بیرونی این جامع فوارهای آب آنها از ارتفاعات لازمه بجانب برکه کلان و سطحی سر از بر می شدند ساخته بودند آب این فواره ها و قتیکه برکه را مالامال می ساختند اخیراً بوسیله جویچه ها به نهر کلان می ریختند. این منظره در نظر بیننده چنان يك فصل عجیبی را جلوه میداد که در آن رنگ صنعت با جمال آثار قدرت آمیخته شده در نظر جلوه میکرد.

در وسط جامع برای سلطان بشکل (مکهب) قصر و وسیعی که تمام زوایای آن با هم تناسب داشت تعمیر نموده بودند. سطح این مقصوره را بر رخام

که از نیشاپور آورده شده بود فرش کردند و در برابر هر مربع رخام محراب زرینیکه بجواهر میناتور شده بود برافراشته بودند - در پیش روی این قصر سلطان « در پرده ها » ساخته شده بود که بقدر سه هزار نفر ملتزمین رکاب در آن جا گرفته بغرض ادای نماز صف می بستند - کدانیکه جامع دمشق را میدیدند و آنرا با این بنا مقایسه میکردند بالبداهه بر مزیت مقصوره سلطانی جامع غزنین اعتراف می نمودند . سلطان از دارالاماره به مسجد موصوف راه محفوظ و مخصوصی کشیده بود که برای ادای فریضه در اوقات معینه از راه مذکور حاضر می شد .

بمبنی در توصیف این بنا باین جمله خاتمه میدهد : قصر سلطانی جامع غزنینی را تنها شوکت ابداع عصر و انتقال نفیسه جواهر و طلای هنر و همت بلند شهنشاہ شریعت مدار غزنینی (باین الدوله محمود) توانست که در قطار عمارات تاریخی اسلام امتیاز بدهد (۱)

دارالعلوم و کتابخانه آن : در بهلوی جامع موصوف مدرسه بزرگ غزنینی و کتابخانه نهایت وسیعی ساخته شده بود - اطاقهای این کتابخانه از سطح زمین تا حدود سقف بترتیب لازمه از اقسام کتب مملو و بر کتابهای تمام علوم عصر و اقسام مولفات ائمه ماضی و مصنفین برجسته عالم مشتمل بود که آنرا تماماً از کتب خانه های بزرگ بغداد و دیگر بلاد متمدنه آنوقت وارد نموده بودند . حتی در جمله کتب مذکور چنان نسخه های خطی بلندی هم وجود داشت که منحصر بدارالکتب غزنینی بود . ابوالمعالی محمدالحسینی در کتاب الادیان مؤلفه سنه ۴۸۵ هجری خود می نویسد : کتاب (ارژنگ مانی) که « از نفیس ترین و نایاب ترین کتب آن دوره بود » آنها در خزاین محفوظ است معلوم میشود که مولف مذکور در آن عصر که هنوز دوره غزنویان بیابان نرسیده و خزاین کتب غزنین بر حال بود کتاب (ارژنگ مانی) را خود در آن ملاحظه کرده

(۱) تاریخ بمبئی ص ۴۰۸ - ۴۱۳ -

است (۱) برای تدریس و استفاده از این کتابخانه و حل مسایل و غوامض مذهبی درین مدرسه بزرگترین علمای علام، فقها، فضلاء مملکت استخدام شده هر کدام از جانب سلطان بوظیفه و معاش کافی و انعامات و صله ها امتیاز داشت.

یمینی راجع به دیگر قصرها و سراهای مامورین و وزرا و صاحب منصبان عسکری غزنی تفصیل نداده بهمین قدر اکتفا می کند که: ساختمانهای شهر تا اندازه عالی و بزرگ و دارای زمینات فنی بودند که انسان در تعریف آن قاصر میشو درو بهم رفته عمارات شاهی و مامورین دولتی غزنی بر جویبارهای خروشان و میدانهای سرسبز مشرف بوده تمام اطراف دارالاماره آنجا که امروز بجای آنها خرابه های قدیم و دشت های خاره وجود دارد، بقصر های عالی و سرا بوستانهای خرم احاطه شده در حمل و نقل و انتقال این ساختمانها از جنس حیوانات تنها (۱۰۰۰ فیل) پیوسته خدمت می نموده (۲) بقول مورخ تاریخ اردو « تذکره بهادران اسلام »: از مشاهده ساختمانهای (مرا) در احساسات سلطان ذوق تعمیرات عالی پیدا شده زمانیکه از فتح قنوج بغزنی عودت نمود جامع بزرگ غزنین را تعمیر کرد - طرز فنی این جامع منتها عالی و در فرش و پیزاره آن از سنگ رخام و مرمر بشکل مشمن و مسدس و مدور و مربع کار کرده بودند - از دیدن تقنی و زمینات و استواری عماره پندشده و محو حیرت میگردید مفرغوشات قیمت دار و قندیلها و شمع دانه های این جامع را به پیمانه بلند تهیه کرده بودند - این جامع در تمام آسیا بنحود نظیر نداشت، گرچه بسا خمانهای جامع دمشق که از آثار عمرانی خلیفه ولید اموی و جامع بغداد که از یادگارهای خلفای عباسی بود مبالغ زیاد مصرف شده اما جامع محمدهی غزنی را از تمام آنها بزرگتر ساخته بودند، ازین جهت سیاحین آنرا بنام عروس الفلک موسوم نمودند. (۳)

(۱) کتاب بیان الادیان ص ۱۷ لابوالعالی محمدالحسینی (۲) تاریخ یمینی ص ۴۱۴ - ۴۱۰ -

(۳) تذکره بهادران اسلام ص ۱۰۳ ج ۲ طبع هند

دارالعلوم و کتابخانه: در بهلوی مسجد موصوف سلطان نیز يك مدرسه خبلی عالی را تاسیس کرد که در آن علوم معقول و منقول درس داده می شد - برای معلمی این مدرسه بزرگترین علمای علام معاشات کافی استخدام شده بطلبه درس میدادند - برای مداومین تعلیم این دارالعلوم نه تنها اینکه اجرت تعلیم معاف بود بلکه سامان و مخارج خورا که و کتب و تمام احتیاجات شان هم از طرف سلطان تهیه شده بود - باین مدرسه يك کتابخانه منتها بزرگ هم مربوط بود که در آن نفیس ترین کتابهای کمیاب با تمام کتب مروجه بصرف پول سلطانی فراهم آورده شده بود - در آنجا برای تسهیلات طلبه و دیگر شوقمندان اقسام مآخذ و آثار قلمی وجود داشت - چون توجهات علمی سلطان را دیگر امرا و شهبزاده گان ملاحظه کردند آنها نیز در تعمیر ساختمانهای عامی و مذهبی همت گماشته عمارتهای عالی و بزرگی را در غزنی آباد کردند - ازین جهت غزنی را عروس شمالک میخواندند .

برای مصارف دارالعلوم مذکور سلطان عایدات بسیار علاقه های وسیع را بصورت دائمی وقف و بنام مصارف مدرسه مقرر نمود . (۱)

قرار معلوماتی که در دست است از دیوار قسمت غربی این جامع و دارالعلوم مذکور در قسمت شرقی خارج شهر موجود است و غزنی متوازی جاده که از دروازه بازار جانب دروازه حضرت بهلول (رح) می رود واقع بود و دیوار قسمت شرقی آن بحدود مزار حضرت اربابا (علیه الرحمه) که انهم شرقی تر است تماس میکرد این موضع از قصر فیروزه روضه که مدفن سلطان است طرف غرب جنوب تقریباً ۳ کیلومتر مسافه دارد از آثار جامع يك محراب که شاید محراب اصلی وسطی جامع

(۱) تذکره اردوی بهادران اسلام ص ۱۰۳ ج ۲ طبع هند .

نبوده باقیبمانده اکنون احاطه خورد غیر مسقف بدور آن آباد کردند مابقی سطح جامع و دارالعلوم قدیم برای زراعت و باغات تیار شده در آن هر نوع زراعت میشود چون در محل مذکور حفريات نشده حدود نهائی چهار اطرف عمارة قدیم مذکور هم معلوم نمیشود ، سنک محراب تقریباً یکنیم متر بلندی دارد و چنان بنظر می رسد که مدنها در نحت خاک مدفون بوده پس آنها را از خرابه های جامع بدر آورده و نصب کرده باشند ، خطوط کوفی محراب عبارة است از کلمه طیبه و بعض ایات قرآنی ، که بسر و دور های آن بشکل برجسته کنده و نقاشی شده ، ولی اکثر شکسته و ریخته است . این محراب حالا بمحراب « جمع اولیاء رح » شهرت دارد و در همه اوقات زیارتگاه خلق الله میباشد .

فانجام

